

مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی ۱۳

زیر نظر فرزانه سجودی

سبک‌شناسی انتقادی

سبک‌شناسی نامه‌های غزالی
با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

دکتر مریم درپر

نشر علم

تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه : درپر، مریم
 عنوان و نام پدیدآور : سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی /
 مریم درپر
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات علم، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.
 شابک : ۷ - ۴۴۴ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌روسی : فیبا
 موضوع : غزالی، محمدبن محمد، ۴۵۰ - ۵۵۰ق. -- نقد و تفسیر
 موضوع : غزالی، محمدبن محمد، ۴۵۰ - ۵۵۰ق. -- سبک
 موضوع : سبک‌شناسی
 رده‌بندی کنگره : ۱۲۱۱ س۲ / ۴۴۴ BBR۶۱۱
 رده‌بندی دیویی : ۱۸۹ / ۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۸۸۳۹۲



نسخه

سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

مریم درپر

چاپ اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر

چاپ: چاووشگران نقش

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن‌بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۷ - ۴۴۴ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست مطالب

۱۵	پیش‌گفتار
۴۲	۱- طرح مسأله
۴۵	۱-۱- پرسش‌های تحقیق
۴۶	۱-۲- فرضیه‌های تحقیق
۴۷	۱-۳- پیشینه تحقیق
۵۰	۱-۴- ضرورت انجام تحقیق
۵۰	۱-۵- اهداف پژوهش و کاربرهای آن
۵۱	۱-۶- روش انجام تحقیق
۵۸	۲- معرفی سبکشناسی انتقادی
۶۱	۲-۱- تعاریف سبک
۶۴	۲-۲- تحلیل گفتمان، تعاریف و رویکردها
۷۲	۲-۳- اصطلاح انتقادی
۷۲	۲-۴- مفهوم ایدئولوژی
۷۷	۲-۵- مفهوم قدرت

۷۹	۲-۶- ابزارهای تحلیل متن
۸۴	۲-۶-۱- سبک شناسی لایه‌ای
۸۵	۲-۶-۱-۱- لایه واژگانی
۸۸	۲-۶-۱-۲- لایه نحوی
۹۵	۲-۶-۱-۳- لایه کاربردشناسی
۱۰۸	۲-۶-۱-۴- لایه بلاغی
۱۱۹	۳- نظری اجمالی به نامه‌نگاری فارسی
۱۲۱	۳-۱- ویژگی‌های هویت‌بخش ژانر نامه
۱۲۱	۳-۱-۱- ویژگی‌های مشترک
۱۲۳	۳-۱-۲- ویژگی‌های متمایز
۱۲۴	۳-۲- رده‌بندی نامه‌ها
۱۲۵	۳-۲-۱- نامه‌های درباری و غیردرباری
۱۲۶	۳-۲-۲- رده‌بندی براساس مقام و موقعیت مخاطب
۱۲۷	۳-۲-۳- رده‌بندی بر مبنای مقام و موقعیت نویسنده
۱۳۱	۳-۲-۴- رده‌بندی براساس رابطه عمودی / افقی نویسنده و مخاطب
۱۳۲	۳-۲-۵- رده‌بندی کارکردی
۱۳۶	۳-۳- نامه‌های غزالی
۱۳۶	۳-۳-۱- امام محمد غزالی عالم دینی بزرگ

- ۴- تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی در بافت‌های چهارگانه
۱۴۳
- ۴-۱- نامه در بافت سیاسی (نامه غزالی به شاه)
۱۴۳
- ۴-۱-۱- بررسی لایه واژگانی
۱۴۵
- ۴-۱-۲- بررسی لایه نحوی
۱۵۱
- ۴-۱-۳- بررسی لایه کاربرد شناسی
۱۵۴
- ۴-۱-۴- بررسی لایه بلاغی
۱۶۰
- ۴-۲- نامه در بافت سیاسی (نامه غزالی به وزیر)
۱۶۷
- ۴-۲-۱- بررسی لایه واژگانی
۱۶۸
- ۴-۲-۲- بررسی لایه نحوی
۱۷۷
- ۴-۲-۳- بررسی لایه کاربردشناسی
۱۸۰
- ۴-۲-۴- بررسی لایه بلاغی
۱۸۳
- ۴-۲-۵- تعمیم ویژگی‌ها به نامه‌های همگون
۱۹۰
- ۴-۳- نامه در بافت علوم دینی (نامه غزالی به ابن‌عالمی)
۲۰۶
- ۴-۳-۱- بررسی لایه واژگانی
۲۰۷
- ۴-۳-۲- بررسی لایه نحوی
۲۱۳
- ۴-۳-۴- بررسی لایه بلاغی
۲۱۷
- ۴-۴- نامه در بافت طبقه عامه
۲۳۰
- ۴-۴-۱- بررسی لایه واژگانی
۲۳۱
- ۴-۴-۳- بررسی لایه بلاغی
۲۳۷

۵-۴- همسانی‌ها و تفاوت‌های معنادر ویژگی‌های سبکی براساس بافت ۲۴۰

۶-۴- سبک زاهدانه وجه ممیزه نامه‌های غزالی ۲۴۹

۴-۶-۱- سبک آمرانه ۲۶۱

۴-۶-۲- سبک چالشی ۲۶۴

۴-۶-۳- سبک اقناعی ۲۶۸

۴-۶-۴- سبک ترغیبی - تحذیری ۲۶۹

۴-۷- تمایزات سبکی نامه‌های غزالی در جریان نامه‌نگاری فارسی ۲۶۹

۴-۸- ویژگی‌های سبک شناسی انتقادی نامه‌های غزالی ۲۷۲

نتیجه‌گیری ۲۷۴

کتابنامه ۳۲۷

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۲: معیارهای بررسی میزان قطعیت متن در لایه نحوی ۹۴
- جدول ۱-۴: رمزگان ساختاری در بافت سیاسی (نامه به شاه) ۱۴۵
- جدول ۲-۴: رمزگان فرآیندی در بافت سیاسی ۱۴۷
- جدول ۳-۴: شاخص‌ها در بافت سیاسی ۱۴۸
- جدول ۴-۴: رمزگان ساختاری در بافت سیاسی (نامه به وزیر) ۱۶۹
- جدول ۵-۴: رمزگان فرآیندی در بافت سیاسی ۱۷۰
- جدول ۶-۴: واژگان متقابل در بافت سیاسی ۱۷۱
- جدول ۷-۴: مترادفات در بافت سیاسی ۱۷۳
- جدول ۸-۴: رمزگان ساختاری در بافت علوم دینی ۲۰۸
- جدول ۹-۴: واژگان متقابل در بافت علوم دینی ۲۰۹
- جدول ۱۰-۴: واژگان مترادف در بافت علوم دینی ۲۱۰
- جدول ۱۱-۴: رمزگان ساختاری در بافت طبقه عامه ۲۳۱
- جدول ۱۲-۴: واژگان مترادف در بافت طبقه عامه ۲۳۲

فهرست نمودارها

- ۱۵۲ نمودار ۴-۱: توزیع فراوانی ساخت‌های وجهی
- ۱۵۳ نمودار ۴-۲: توزیع فراوانی افعال شناختی
- ۱۵۴ نمودار ۴-۳: توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول
- ۱۵۵ نمودار ۴-۴: بسامد کنش‌های گفتاری
- ۱۷۷ نمودار ۴-۵: توزیع فراوانی ساخت‌های وجهی
- ۱۷۸ نمودار ۴-۶: توزیع فراوانی افعال شناختی
- نمودار ۴-۷: توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول و فرآیند
- ۱۷۹ اسنادی
- ۱۸۰ نمودار ۴-۸: بسامد کنش‌های گفتاری
- ۲۱۲ نمودار ۴-۹: توزیع فراوانی ساخت‌های وجهی
- نمودار ۴-۱۰: توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول و فرآیند
- ۲۱۳ اسنادی
- ۲۱۵ نمودار ۴-۱۱: بسامد کنش‌های گفتاری در بافت علوم دینی
- ۲۳۳ نمودار ۴-۱۲: توزیع فراوانی ساخت‌های وجهی
- ۲۳۴ نمودار ۴-۱۳: توزیع فراوانی افعال شناختی در بافت طبقه عامه
- نمودار ۴-۱۴: توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول و فرآیند
- ۲۳۵ اسنادی

- نمودار ۴-۱۵: بسامد کنش‌های گفتاری ۲۳۶
- نمودار ۴-۱۶: مقایسه فراوانی ساخت‌های وجی در چهار نامه ۲۴۴
- نمودار ۴-۱۷: مقایسه فراوانی افعال شناختی در چهار نامه ۲۴۵
- نمودار ۴-۱۸: مقایسه بسامد ساخت‌های معلوم و مجهول در چهار نامه ۲۴۵
- نمودار ۴-۱۹: مقایسه فراوانی کنش‌های گفتاری در چهار نامه ۲۴۶

گونه نوشت‌ها

پی: پیوست

بن: بندنوشت

عا: کنش عاطفی

تع: کنش تعهدی

اع: کنش اعلامی

اظ: کنش اظهاری

تر: کنش ترغیبی

تقدیم :-

پرو مادر که تقدیم و دو فرزند عزیزم که

در این راه طوفانی و دشوار

بمراه من تمام بگذرد.

سپاس‌گزاری

از صمیم دل سپاس‌گزار تمامی استادان محترم در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی هستم که در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از کلاس‌های درس‌شان بهره‌ها برده‌ام؛ به‌ویژه استادان فاضل و فرزانه‌ام جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی و جناب آقای دکتر رضا انزابی‌نژاد. همچنین قدردانی می‌کنم از حمایت‌های بی‌دریغ استاد عزیزم جناب آقای دکتر ابوالقاسم قوام به‌عنوان استاد راهنمای رساله. نیز از استاد محترم جناب آقای دکتر محمود فتوحی، به‌عنوان استاد مشاور رساله، سپاس‌گزارم که از همان مراحل آغازین پژوهش در چند مرحله نوشته‌های مرا خواندند و در کنار استاد محترم راهنما در بخش مربوط به نامه‌ها راهنمایی خویش را دریغ نفرمودند. سپاس‌گزارم از استاد دانشمند جناب آقای دکتر سجودی که داور رساله بودند و در نشر این نوشتار از حمایت‌ها و ترغیب‌های ایشان برخوردار بوده‌ام و بسیار سپاس از جناب آقای علمی مدیر محترم نشر علم که زحمت چاپ کتاب بر عهده ایشان بود. در پایان، سپاس‌گزار پدر و مادر گرانمایه‌ام هستم و نیز از همراهی‌های همسرم سپاس‌گزارم و آرزوی بهترین‌ها را برای دو فرزند عزیزم دارم که وقت نداشتن‌ها و خستگی‌های مرا صبورانه پذیرا بودند.

سخن نگارنده

کتاب حاضر که موضوع آن سبک‌شناسی انتقادی است، از یک پیش‌گفتار و چهار فصل تشکیل شده است؛ در پیش‌گفتار، سبک‌شناسی انتقادی به‌طور اجمالی معرفی شده و روش مطالعه سبک به شیوه لایه‌ای مطرح گردیده است. در فصل نخست، با درآمدی بر سیر پژوهش‌های سبک‌شناسی فارسی و دسته‌بندی این پژوهش‌ها، مسأله تحقیق مطرح شده و در ادامه پرسش‌ها، فرضیه‌ها، ضرورت انجام تحقیق و اهداف آن تبیین گردیده است. در فصل دوم مبانی نظری تحقیق و لایه‌های سبکی آمده است. در فصل سوم با درآمدی بر اهمیت گونه‌نامه به رده‌بندی نامه‌های فارسی پرداخته شده تا با تعیین زیرگونه‌ای که نامه‌های غزالی در آن قرار می‌گیرد، مقدمات مطالعه سبک نامه‌های غزالی در تقابل یا در ارتباط با دیگر زیرگونه‌ها فراهم آید. در فصل چهارم که بدنه اصلی تحقیق است، ویژگی‌های سبکی نامه‌های غزالی در بافت‌های چهارگانه تجزیه و تحلیل، تعمیم‌پذیری ویژگی‌های سبکی در هریک از بافت‌ها بررسی شده است و در نهایت وجه متمایز نامه‌های غزالی تعیین و در پایان به‌عنوان نتیجه‌گیری به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شده و فرضیه‌ها تأیید گردیده است. آنچه به‌صورت کتاب حاضر تقدیم حضور خوانندگان گرامی می‌گردد، رساله دکتری نگارنده است که پیشنهاد پژوهشی آن را در

سال ۱۳۸۷ شمسی ارائه و در بهمن ماه ۱۳۹۰ به پایان رسیده است.

گفتمنی است که نگارنده آشنایی با مباحث زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان را از سال ۱۳۸۶ شمسی با استفاده از کلاس‌های درس مقطع کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد آغاز نمود و از مشاوره برخی از استادان محترم این گروه به‌ویژه خانم دکتر شهلا شریفی بهره برده است. حضور آقای دکتر محمدرضا هاشمی به‌عنوان استاد درس تحلیل گفتمان گروه زبان انگلیسی این دانشگاه و استاد مشاور رساله، نیز همواره سبب دلگرمی‌ام در درست رفتن این راه بوده است. از آن‌جا که هر پژوهشی بر مبنای مطالعات و پژوهش‌های پیش از خود شکل می‌گیرد، در فصل تدوین مبنای نظری تحقیق از نتایج مطالعات مدون زبان‌شناسان ایرانی برخوردار بوده‌ام و در مواردی، از ترجمه‌های خوب و روان استادان محترم زبان‌شناس استفاده نموده‌ام؛ قدردان همه عزیزانی هستم که در شکل گرفتن این کتاب به نوعی سهیم‌اند.

مریم درپر، ۱۳۹۱ شمسی

هدف اصلی نشر این کتاب، معرفی سبک‌شناسی انتقادی است؛ پرداختن به مفاهیم پایه در این رویکرد و ارائه ابزارهایی که منجر به تجزیه و تحلیل انتقادی سبک می‌شود و هدف دیگر معرفی روشی نو در مطالعه سبک است به نام سبک‌شناسی لایه‌ای (رک. قوام و درپر، ۱۳۹۰)^۱؛ این روش در عملی نمودن رویکردهای مختلف سبک‌شناسی با طرح لایه‌ها و مؤلفه‌های مناسب متن، می‌تواند کارآیی داشته باشد.

۱- سبک‌شناسی انتقادی

سبک‌شناسی انتقادی یکی از رویکردهای سبک‌شناسی است که با تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی یک متن، چگونگی کاربرد یا شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی را در زبان مورد بررسی قرار می‌دهد و از لحاظ مبانی نظری بر

آنگارنده، در دو مقاله با عنوان‌های «سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک در دولایه کاربردشناسی و نحو» و «سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک در دولایه واژگان و بلاغت» سبک‌شناسی لایه‌ای به روشی که در این کتاب می‌آید را به صورت ابتدایی در نامه شماره ۱ غزالی ارائه نمود و در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰ این دو مقاله را برای چاپ به مجله نقد ادبی فرستاد که متأسفانه توسط سردبیر حذف گردید و سپس به مجله بهار ادب فرستاد. مقاله نخست در بهار ادب منتشر و مقاله دوم بنا بر این که حجم آن زیاد بود، به عنوان نیاز به بازنگری برگردانده شد که به دلیل اشتغال به کار نوشتن رساله به آماده کردن آن نتوانستم بپردازم.

زبان‌شناسی انتقادی^۱ و تحلیل گفتمان انتقادی^۲ تکیه دارد. راجر فاولر^۳ را به عنوان یکی از اولین و مهم‌ترین مطرح‌کنندگان نگرش انتقادی می‌توان به حساب آورد؛ او و همکارانش در دانشگاه ایست‌انگلیا به این مسأله پرداختند که چگونه مفاهیم اجتماعی مانند قدرت و ایدئولوژی در زبان بازنمایی می‌گردند و چگونه زبان بر شیوه فهم ما از جهان اثر می‌گذارد؟ مطالعات فاولر و همکارانش در این زمینه منجر به پدید آمدن شاخه جدیدی به نام زبان‌شناسی انتقادی شد و سپس با نام تحلیل گفتمان انتقادی ادامه یافت و نورمن فرکلاف یکی از مشهورترین کسانی است که در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی کار کرده است. گفتنی است، مطالعاتی که در زمینه نقد زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده بر مبنای دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی صورت پذیرفته است.

سیمپسون در مقدمه کتاب *زبان، ایدئولوژی و زاویه دید* (۱۹۹۳: ۲-۸) به ارتباط بین سبک‌شناسی و زبان‌شناسی انتقادی پرداخته است؛ دو شاخه‌ای که با یکدیگر ارتباط درونی دارند، در دو دهه اخیر درخشان شده و هر دو از تحلیل‌های زبان‌شناسی برای تفسیر متون استفاده می‌کنند. او نشر کتاب‌ها و مقالات زبان‌شناسی انتقادی و سبک‌شناسی در یک جلد را، دلیل بر ارتباط درونی این دو شاخه دانسته است. فاولر و سیمپسون هر یک ابزارهایی در تجزیه و تحلیل متن با رویکرد انتقادی ارائه کرده‌اند و سیمپسون ابزارهای مورد نظر خود را در سبک‌شناسی به کار گرفت (رک. همین کتاب، ۲-۶). سرانجام جفریز (۲۰۱۰) تحلیل گفتمان انتقادی و سبک‌شناسی را به هم پیوند داد (نرگارد و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۱-۱۳).

سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (درپس،

1 Critical Linguistics (CL)

2 - Critical Discourse Analysis (CDA)

3- Roger Fowler

۱۳۹۰)، رساله دکتری نگارنده که با تغییرات اندک بصورت کتاب حاضر ارائه می‌شود، پژوهشی است که همپای کتاب سبک‌شناسی انتقادی جفریز در ایجاد پیوند سبک‌شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی گام برداشته و این توفیق را حاصل نموده که در شمار نخستین پژوهش‌ها در این زمینه باشد. نگارنده، دو سال قبل از انتشار کتاب سبک‌شناسی انتقادی لولی جفریز (۱۳۸۷ شمسی برابر با ۲۰۰۸ میلادی، در طی دوره مطالعاتی پیشنهاد تز دکتری خود) ابزارها و مؤلفه‌های بررسی سبک با رویکرد انتقادی را در ژانر "نامه" گزینش و ویژگی‌های سبکی نامه‌های غزالی را در جریان گفتمان طبقاتی - طبقه عالمان دارای تمایلات زاهدانه در مقابل طبقه حاکم - به روش لایه‌ای مطرح نمود.

بعد از چاپ کتاب جفریز که نام سبک‌شناسی انتقادی را بر خود داشت و کاملاً مرتبط با موضوع تر بنده بود (به علت نبود پیش‌نمایش آن در منابع الکترونیکی از جمله گوگل بوک و تارنمای آمازون)، تصمیم به خرید کتاب گرفتم و بعد از چندین سفارش و ماه‌ها انتظار موفق به خرید آن از خارج کشور (در آبان‌ماه ۱۳۹۰ شمسی برابر با اکتبر ۲۰۱۱) گردیدم؛ درست زمانی که کار نگارش رساله را به پایان برده، تأییدیه استاد راهنما را گرفته و جهت گرفتن تأییدیه و اجازه برگزاری جلسه پیش‌دفاع، رساله در نزد استادان محترم مشاور بود. لذا از این فرصت استفاده نموده و پس از خواندن کتاب و همچنین با استفاده از دریافت‌هایی که از پیش درباره سبک‌شناسی انتقادی به دست آورده بودم مقاله‌ای در معرفی سبک‌شناسی انتقادی و این کتاب با عنوان «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در مطالعه سبک با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» نوشتم که در مجله نقد ادبی (بهار ۹۱) به چاپ رسید.

گفتنی است که پس از خواندن کتاب جفریز دریافتم که آنچه به عنوان مؤلفه‌های سبکی نامه‌های غزالی با رویکرد انتقادی گزینش کرده‌ام با وجود

تفاوت‌های مهمی که نشان‌دهنده اصالت کار است، مشابهت‌هایی نیز با سبک‌شناسی انتقادی که سبک‌شناس بزرگی به نام لزلی جفریز نوشته است، دارد (در ادامه به این تفاوت‌ها و شباهت‌ها در حد ضرورت خواهم پرداخت).

دکترای تخصصی خانم جفریز در رشته سبک‌شناسی روزنامه‌هاست؛ او از سال ۱۹۹۰ در دانشگاه مشغول به کار شده و در حال حاضر در دانشگاه هادرسفیلد^۱ انگستان تدریس می‌کند. چهار عنوان کتاب و مقالاتی متعدد نوشته است که مبنی بر پژوهش‌های او در زمینه سبک‌شناسی شعر معاصر، ایدئولوژی در گزارش‌های خبری و گفتمان سیاسی است. او با دانشگاه لنکستر^۲ و دانشگاه مرکزی لنکشیر^۳ نیز همکاری دارد.

اگر برای پژوهش حاضر موفقیتی حاصل است، نگارنده آن را نه برای خود بلکه برای همه استادان و پژوهشگران ایرانی می‌داند که با تدوین کتاب‌ها و مقالات ارزنده در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی در معرفی آن تلاش نموده‌اند. اینک، بی‌آنکه ادعایی داشته باشد، گویم که در سبک‌شناسی انتقادی ارائه نموده، در این کتاب آورده و امیدوار است که گام کوچکی در احیای نقش سبک‌شناسی فارسی در تحلیل و بازخوانی متون برداشته باشد. جهت تقویت خودباوری دوستان دانشجوی ایرانی خود در پی می‌آید سخن استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر ابوالقاسم قوام (در جلسه دفاع از رساله دکتری) را یاد نکنم که فرمودند: «دانشجوی من در شمار فرزندان ابن سیناها و محمدزکریای رازی‌هاست این توانایی را داشت که کاری هم‌عرض سبک‌شناسی انتقادی جفریز ارائه کند» و نیز سخن استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر محمود فتوحی که فرمودند: «این رساله جزو معدود رساله‌هایی است که در خاطرم

1 Huddersfield

2 Lancaster

3 University of Central Lancashire

خواهد ماند زیرا شاهد شکل‌گیری مرحله به مرحله آن بوده‌ام». بدیهی است که نقل سخن این بزرگواران از باب خودستایی نبوده بلکه به انگیزه تقویت خودباوری دانشجویان و پژوهشگران این مرز و بوم است تا در آینده بیش‌تر شاهد کارهای درخور آنان باشیم و سعی کنیم از تحمیل نظریه‌ها و روش‌ها بر متن خودداری نموده و با برخورداری از شیوه‌های درست تحقیق و با گام‌هایی هرچند کوچک اما استوار راه رشد و پیشرفت را پیماییم.

در ادامه، به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های سبک‌شناسی انتقادی نامه‌های غزالی با سبک‌شناسی انتقادی جفریز می‌پردازیم:

تفاوت بنیادی که الگوی طرح شده در این کتاب با روش جفریز دارد، این است که جفریز فرانتش اندیشگانی را مبنا قرار داده ولی نگارنده فرانتش بینافردی را اساس قرار داده است. اساس قرار دادن فرانتش اندیشگانی در روش جفریز و مبنا قرار دادن فرانتش بینافردی در روش مطرح در کتاب حاضر تفاوت دومی را پدید آورده؛ در روش جفریز کشف ایدئولوژی متن مبنای مطالعه قرار گرفته و مقوله قدرت بطور عام و ضمنی و از طریق کشف ایدئولوژی می‌تواند قابل مطالعه باشد اما نگارنده بررسی مقوله قدرت را پایه سبک‌شناسی انتقادی در الگوی خود قرار داده و به واکاوی روابط اجتماعی-سیاسی پرداخته و قدرت را در ارتباط با گفت‌وگو غالب بررسی نموده است؛ کشف ایدئولوژی متن (با عنوان بن ایدئولوژی زهد و آخرت‌گرایی از آن یاد کرده‌ایم)، تأثیری که در رابطه قدرت دارد و نیز تأثیری که در سبک‌نامه‌نگاری غزالی داشته (آن را سبک‌زاهدانه نامیده‌ایم) را به طور ضمنی بررسی نموده‌ام.

تفاوت سومی که سبک‌شناسی انتقادی در این پژوهش با روش جفریز دارد، این است که در روش جفریز ابزارهای ده‌گانه که عبارتند از: نام‌گذاری و توصیف، بازنمایی کنش‌ها، رخدادها، حالات، ترادف و تقابل، مثال زدن و نام

بردن، اطلاعات و نظرات مهم‌تر، معانی ضمنی و حقایق مسلم، منفی کردن، فرضیه‌سازی، بیان گفته و اندیشه دیگر مشارکان، بازنمایی زمان، مکان و جامعه (جفریز، ۲۰۱۰) به روش باز ارائه شده اما نگارنده مؤلفه‌های سبکی‌ایی را که با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و بر مبنای داده‌های پژوهش (نامه‌های غزالی) گزینش نموده و عبارتند از: بررسی رمزگان ساختاری و فرآیندی، شاخص‌ها، واژگان نشان‌دار، مترادف و تکراری، بیان مستقیم و غیرمستقیم، دعاها، بیان مؤدبانه، بررسی کثرهای گفتاری متن، صدای فعال و منفعل، وجهیت، بلاغت ساختاری متن، انسجام، استعاره و طنز، به "روش لایه‌ای" ارائه نموده است و سعی کرده چنان پیوستگی و ارتباطی بین آن‌ها ایجاد نماید که نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های سبکی در هر لایه، به تقویت نتایج لایه دیگر منجر گردد؛ در نتیجه، این مزیت را حاصل نموده که ضمن برقراری ارتباط بین خردلایه‌های متنی و کلان‌لایه‌ها، سهم هر لایه در کشف ایدئولوژی متن و روابط پنهان قدرت آشکار گردد.

در ارائه سبک‌شناسی انتقادی به روش لایه‌ای، به ساختار سلسله‌مراتبی متن توجه داشته و با در نظر داشتن این فرض پایه در زبان‌شناسی انتقادی که رابطه شکل و محتوا رابطه‌ای دل‌بخوایی یا قراردادی نیست، بلکه رابطه‌ایست که صورت‌بندی‌های قدرت نهادی/گفتمانی آن را به لحاظ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رقم می‌زنند و محدود می‌کنند (مکاریک: ۱۳۸۸، ۱۶۰) ویژگی‌های سبکی نامه‌های غزالی را با توجه به نهادهای اجتماعی (نهاد حکومت، نهاد علم و نهاد تصوف)، گفتمان‌های سیاسی و زاهدانه و مقوله‌های ایدئولوژی و قدرت مورد بررسی قرار دادم.

با وجود تفاوت‌های بنیادی مذکور ابزارهایی که برای تجزیه و تحلیل سبک با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی گزینش و ارائه نموده‌ایم، با ابزارهایی که

جفریز ارائه کرده است، شباهت‌هایی دارد به این دلیل که زمینه کار هر دو سبک‌شناسی انتقادی بوده است و نیز تفاوت‌هایی که به دلیل متفاوت بودن مبانی سبک‌شناسی انتقادی (در بالا به آن‌ها اشاره شد) در روش ما و روش جفریز، حاصل شده است. در ذیل به بررسی تقابلی ابزارهای تجزیه و تحلیل سبک در کتاب حاضر و در سبک‌شناسی انتقادی جفریز می‌پردازیم:

الف- مؤلفه‌های «واژگان نشان‌دار» و «شاخص‌ها» را که ذیل لایه واژگانی بررسی نموده‌ایم، در کار جفریز ذیل دو عنوان «نامیدن و توصیف کردن» و «بازنمایی زمان، مکان و جامعه» آمده است. نگارنده ذیل لایه واژگانی، رمزگان ساختاری و فرآیندی را در ارتباط با نهادهای علم، حکومت و زهد مورد بررسی قرار داده، واژگان نشان‌دار را نیز در رابطه‌ای بیناگفتمانی و بینامتنی، و در ارتباط با مقوله قدرت تجزیه و تحلیل نموده است. اما جفریز در فصل دوم کتابش به کاربرد واژه‌های نشان‌دار فرایند اسم‌سازی و ساختار عبارت‌های اسمی با توصیفاتی که به آن افزوده می‌شود، پرداخته و سپس تأثیرات ایدئولوژیکی آنها را مدنظر قرار داده است. همچنین ما مؤلفه شاخص‌های شخصی (القاب و عناوین)، زمانی و مکانی را در رابطه قدرت نویسنده و مخاطب و بیان مؤدبانه بررسی نموده‌ایم و جفریز همین مبحث را ذیل بازنمایی زمان، مکان و جامعه (فصل ۱۱ کتابش) به گونه‌ای متفاوت، در ارتباط با ایجاد مرکز اشاری و تأثیرات ایدئولوژیکی که می‌تواند بر خواننده داشته باشد، آورده است. رک. (کتاب حاضر: ۲-۶-۱، ۴-۱-۱، ۴-۲-۱، ۴-۳-۱ و ۴-۴-۲-۱) جفریز، ۲۰۱۰: ۱۷-۳۶ و ۱۴۶-۱۵۸)

ب- مؤلفه «واژگان مترادف و متقابل» را که ما در سطح متنی و گفتمانی و در ارتباط با مقوله‌های ایدئولوژی و قدرت بررسی کرده‌ایم، جفریز ذیل

ترادف‌ها و تقابل‌ها آورده و البته فراتر از سطح واژه و تعبیر، در سطح بندها و پاراگراف‌ها مطرح نموده است.

ب- مؤلفه سبکی وجهیت در مقوله فعل را که نگارنده به‌شیوه آماری در بررسی میزان قطعیت متن و قاطعیت نویسنده به کار گرفته و بندهای معلوم و مجهول را که ذیل صدای نحوی به منظور تبیین رابطه قدرت در متن بررسی نموده است، جفریز به نوعی ذیل بازنمایی کنش‌ها، رخدادها و فرآیندهای اسنادی، و نیز کنش مجهول را در استنباط ایدئولوژی متن مطرح نموده است. (رک. کتاب حاضر: ۲-۶-۲، ۲-۱-۴، ۲-۲-۴، ۲-۳-۴، ۴-۴-۴ و ۴-۵-۵) قس. جفریز: ۳۷-۵۰.

ت- کاربردشناسی را که نگارنده مهم دانسته و به‌عنوان لایه جداگانه‌ای آورده است، جفریز نیز به اهمیت آن اشاره کرده و آن را مرکز محتوای کتابش خوانده است. مولفه‌های سبکی‌ای که در این کتاب در لایه کاربردشناسی بررسی نموده‌ایم با آنچه جفریز بررسی آن را پیشنهاد می‌کند، تفاوت اساسی دارد؛ در این لایه مؤلفه سبکی «بیان مؤدبانه» را پایه قرار دادیم و دو مؤلفه کنش گفتار و بیان غیرمستقیم را در جهت بررسی چگونگی سامان پذیرفتن بیان مؤدبانه بررسی نمودیم و در نهایت به کارکرد این مؤلفه‌ها در رابطه بینافردی نویسنده و مخاطب پرداختیم اما جفریز در ارتباط با کاربردشناسی، معانی ضمنی را برجسته‌تر دیده زیرا یکی از قدرت‌های اصلی زبان را عبارت دانسته از توانایی استفاده از حقایق مسلم و معانی ضمنی که ایدئولوژی‌ها را به‌عنوان مفهومی عام وانمود می‌کنند (رک. همین کتاب: ۲-۶-۳، ۴-۱-۳، ۴-۲-۳ و ۴-۳-۳ قس. جفریز: ۹۳-۱۰۳).

ث- بیان غیرمستقیمی که ما بررسی نمودیم از طریق صورت‌بندی‌هایی مانند تمثیل، جمله دعایی، وجه عام، کاربرد غیرمستقیم ضمیر و فرآیند

اسم‌سازی است؛ به منظور دریافت تلویحات متن، با آنچه جفریز بررسی نموده و به مبحث نقل قول مستقیم و غیرمستقیم در زبان انگلیسی مربوط می‌شود تنها در عنوان «بیان غیرمستقیم» تشابه دارد.

مواردی هست که در کتاب حاضر بدان پرداخته شده اما در کتاب جفریز وجود ندارد مانند آنچه ذیل لایه بلاغی آورده‌ایم که مؤلفه‌هایی مانند طنز، استعاره، تشبیل، انسجام و بلاغت ساختاری متن و پرداختن به سبک‌های آمرانه، چالشی، اقناعی و ترغیبی - تحذیری که در ارتباط با کلان‌لایه گفتمانی و مقوله‌های قدرت و ایدئولوژی بررسی نموده‌ایم. (رک. همین کتاب: ۲-۶-۴، ۴-۱-۴، ۴-۲-۴، ۴-۳-۴، ۴-۴-۴ و ۶-۴-۶) مواردی نیز در کار جفریز هست که ما بدان‌ها پرداخته‌ایم مانند بندهای پایه و پیرو- در بند پایه اطلاعات مهم‌تر قرار می‌گیرد و در بند پیرو اطلاعات کم‌اهمیت می‌آید (رک. جفریز: ۷۷-۹۲) - و عنصر منفی‌کننده و تأثیراتی که منفی کردن بر ایدئولوژی دارد (رک. همان: ۱۰۶-۱۱۳).

مقایسه‌های مزبور تفاوت و تمایز سبک‌شناسی انتقادی نامه‌های غزالی را روشن می‌سازد. بعد از دسترسی به کتاب جفریز (چنان‌که اشاره نمودیم در مرحله پایانی کار موفق به خرید آن شدیم) نیز مؤلفه‌هایی را که کتاب جفریز داشت و در کار ما نبود، وارد کار نمودیم تا اصالت آن حفظ شود. به‌طور کلی مزیت کتاب حاضر را نسبت به سبک‌شناسی انتقادی جفریز در آن می‌دانیم که شاکله و نتایج سبک‌شناسی انتقادی را بهتر نشان می‌دهد. آشکارتر به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی در درون گفتمان‌ها و در ارتباط با نهادهای اجتماعی و مقوله قدرت پرداخته، ایدئولوژی متن را نیز مورد بررسی قرار داده همچنین تأثیر ایدئولوژی شکل‌گرفته در درون گفتمان‌های زمان پدید آمدن متن را بر سبک نامه‌ها نشان داده است و در نهایت نیز

شاخصه‌های سبکی متن را با رویکرد انتقادی، در رابطه‌ای بینامتنی تبیین نموده است.

۲- سبک‌شناسی لایه‌ای

مطالعه زبان بر اساس لایه‌ها آوایی، واژگانی، نحوی، و معناشناسی و کاربردشناسی از مبانی زبان‌شناسی است و سبک‌شناسان نیز بر اساس سطوح زبانی به مطالعه سبک پرداخته‌اند؛ از جمله جفری لیچ و مایکل شورت در کتاب *سبک در داستان* (۱۹۸۱) سبک سه داستان کوتاه را در چهار سطح معنا شناسی^۱، نحو^۲، نویسه‌شناسی^۳ و تأثیرات آوایی^۴ بررسی کرده‌اند.

نگارنده کتاب حاضر در مطالعه سبک نامه‌های غزالی، با چالش اصلی‌ای رو به رو شد که عبارت بود از توصیف و طبقه‌بندی این ویژگی‌ها به گونه‌ای که پرداختن به نقش یا کارکرد ویژگی‌های سبکی را ممکن سازد و منجر به معناداری ویژگی‌ها و در نهایت کشف رابطه قدرت و ایدئولوژی در متن گردد. رویارویی با این چالش، نگارنده را به این نتیجه رساند که بهترین روش در مطالعه سبک نامه‌های غزالی با اهداف مذکور روش لایه‌ای است. با این استدلال که در شیوه لایه‌ای، به گونه‌ای که در ادامه خواهد آمد، مطالعه خردلایه‌های متنی در ارتباط با بافت موقعیتی به عنوان کلان‌لایه و با توجه به ارجاعات بیناگفتگمانی و بینامتنی منجر به کشف ایدئولوژی متن، بررسی رابطه قدرت و توصیف معنادار ویژگی‌های سبکی می‌گردد.

در مراحل اولیه، پیشنهاد دادم که سبک نامه‌ها را در پنج لایه واژگانی، نحوی، کاربردشناسی، بلاغی و ایدئولوژیکی بررسی نمایم؛ بررسی لایه آوایی را در طرح خود قرار ندادم به این جهت که منتج به نتیجه خاصی در ارتباط با بررسی رابطه قدرت در نامه‌های غزالی نمی‌گردید و در مراحل نهایی طرح،

لایه ایدئولوژیک را در مجموعه کلان لایه ها به حساب آوردیم؛ به این دلیل که دریافتیم ایدئولوژی متن از بررسی خرد لایه های چهارگانه مذکور قابل دستیابی است و بعلاوه با ارتباطی دوسویه در شکل دادن به ویژگی های سبکی متن نیز کارکرد دارد.

بنابراین، بافت متن را در چهار لایه واژگانی، نحوی، کاربردشناسی و بلاغی به عنوان خرد لایه ها تجزیه کرده و کارکرد و ویژگی های سبکی برآمده از این چهار لایه را با توجه به بافت موقعیتی متن تجزیه و تحلیل نمودیم و نیز مطالعه لایه های خرد متن را در ارتباط با کلان لایه گفتمان؛ بافت موقعیتی متن و مقوله های قدرت و ایدئولوژی، ارجاعات بیناگفتمانی و بینامتنی به گونه درهم تنیده ای انجام دادیم به طوری که در تجزیه هریک از مؤلفه های سبکی به کلان لایه ها نیز نظر داشته و به عبارت دیگر لایه های خرد را در بستر کلان لایه ها تجزیه نمودیم. در نتیجه در تحلیل ها هر لایه دیگر را حمایت نموده و در نهایت منجر به معناداری ویژگی های سبکی گردید؛ به عنوان مثال لایه واژگانی را در ارتباط با نهادهای قدرت و گفتمان های سیاسی و دینی و ... بررسی کردیم؛ اصطلاح رمزگان سیستمی اکو (در این کتاب با نام ساختاری) را گرفته و با مصداقی متفاوت در ارتباط با نظام های اجتماعی و نهادهای قدرت به کار بردیم. سپس رمزگان ساختاری مربوط به نهاد علم، نهاد حکومت و رمزگان دینی/ زاهدانه را شناسایی و با توجه به موقعیت متن تحلیل نمودیم. به عنوان نمونه در نامه به شاه، تجزیه رمزگان متن نشان می دهد که رمزگان زاهدانه نسبت به رمزگان نهاد علم و نهاد حکومت از بسامد بالایی برخوردار است؛ بر مبنای بافت موقعیتی متن، کارکرد این ویژگی را عبارت دانستیم از تقویت موضع اقتدار نویسنده؛ غزالی برای مقابله با حکومتی که قدرت خود را مستند به دین می داند از گفتمان زاهدانه استفاده کرده و سلطان را به بی ارزش

بودن پادشاهی دنیا توجه داده است. در کنار رمزگان ساختاری، رمزگان فرآیندی را مرتبط با گفتمان‌های دینی و سیاسی بررسی نمودیم و بعد از تعیین بسامد آن‌ها، یک کارکرد این ویژگی را در بی‌ارزش‌نشان دادن پادشاهی سلطان و کارکرد دیگرش را در این امر که حکومت قدرت خود را به گفتمان دینی مستند نموده‌نشان دادیم. دیگر مؤلفه‌های واژگانی از قبیل شاخص‌ها، واژگان نشان‌دار، مترادف و تکراری را نیز به همین شیوه بررسی نمودیم و مؤلفه‌های دیگر لایه‌ها مانند وجهیت در مقوله فعل و صدای فعال و منفعل در متن را که در لایه نحوی بررسی نموده‌ایم، و مؤلفه‌های لایه کاربردشناسی را که عبارتند از کنش‌های گفتاری، مقوله ادب و بیان غیرمستقیم و نیز بلاغت ساختاری متن، انسجام و پیوستگی، تمثیل، طنز و استعاره را که در شمار مؤلفه‌های بلاغی هستند در ارتباط با کلان‌لایه‌های متنی و در ارتباط یا تقابل با نامه‌های صوفیانه و منشیانه (به جهت لزوم مطالعه متن در سطح ژانر) تجزیه و تحلیل کردیم و در هر مورد کارکرد ویژگی‌های سبکی و معناداری آن را نشان دادیم (رک. همین کتاب ۱-۴، ۲-۴، ۳-۴ و ۴-۴). بر مبنای نتایجی که از بررسی لایه‌ای سبک به دست آوردیم، سبک‌های آمرانه، چالشی، انتقادی و ترغیبی-تحدیری را در سبک نامه‌نگاری غزالی نشان دادیم و همه تجزیه و تحلیل‌هایی که به-شیوه مذکور و در ارتباط با کلان‌لایه گفتمان؛ بافت موقعیتی و مقوله‌های قدرت و ایدئولوژی انجام دادیم، در نهایت منجر شد به تعیین وجه سبکی نامه‌نگاری غزالی که آن را «سبک زاهدانه» نامیده‌ایم (رک. همین کتاب، ۴-۶).

با توجه به این که سبک‌شناسی لایه‌ای را نه بر مبنای متن بلکه بر مبنای لایه‌های متنی عملی می‌دانیم، علاوه بر خردلایه‌های چهارگانه مذکور و کلان-لایه گفتمان، لایه‌های دیگر نیز مطرح است که برجسته‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف - بینامتنیت: در سبک‌شناسی لایه‌ای بر مطالعه ویژگی‌های سبکی هر متن در درون گونه (ژانر) خاص آن و در ارتباط یا در تقابل با دیگر متن‌های موجود در آن گونه و در سطحی بالاتر مطالعه ویژگی‌های سبکی هر گونه (ژانر) را با گونه‌های متقابل یا مرتبط ضروری می‌دانیم؛ به عنوان مثال مطالعه نامه‌های غزالی در تقابل با نامه‌های منشیه و در ارتباط با نامه‌های صوفیانه و دیگر نوشتارهای غزالی و یا ویژگی‌های سبکی نامه‌های منشیه در ارتباط با متون تاریخی دینی و مطالعه نامه‌های صوفیانه در ارتباط با متون تصوف.

ب - خود سبک‌پژوه: لایه متنی دیگر سبک‌پژوه است که بر مبنای دانش پیشینی و طرح‌واره‌های ذهنی خود با متن برخورد می‌کند و بر این مبنای رویکرد یا رویکردهای سبک‌شناسی مناسب جهت تعیین شاخصه‌های سبکی را برمی‌گزیند و ذهنیت او در تعیین و تشخیص شاخصه‌های سبکی اثرگذار است. با این وجود عدم قطعیت در نتایج پژوهش‌های «سبک‌شناسی لایه‌ای» نگران‌کننده نیست زیرا تعیین شاخصه‌های سبکی وابسته به بافت است و آنچه درباره دریافت معنای متن گفته‌اند در گزینش شاخصه‌های سبکی متن، فرد یا دوره نیز صدق می‌کند؛

معنا در هر حال وابسته به بافت است و لایه‌های هم‌نشین در کنش ارتباطی است که تعیین‌کننده معنی است و خطرات تأکید بر سوژکتیویته فردی این قدر نگران‌کننده نیست مگر آن که بافت ارتباطی و لایه‌های دخیل در آن را نادیده بگیریم و بخواهیم تصاویری قطعی از معناهای صریح یا حتی ضمنی به دست دهیم (سجودی، ۱۳۸۷: ۷۹)

کتاب *نشانه‌شناسی کاربردی* (سجودی: ۱۳۸۷) در ارائه سبک‌شناسی لایه‌ای، بسیار اثرگذار بوده؛ زیرا نویسنده این سطور با توجه به ساختار لایه‌ای متن که در کتاب یادشده به تفصیل بدان پرداخته شده، ساختار لایه‌ای را برای

بررسی سبک برگزیده و ویژگی‌های سبکی را بر این مبنا بررسی نموده است. در کتاب *نشانه‌شناسی کاربردی*، نظام دلالتی نشانه‌ها از پیرس تا دریدا و نشانه‌شناسی لایه‌ای و ساختار باز لایه‌ای متن به بحث گذاشته شده است.

در سبک‌شناسی لایه‌ای، هدف مطلوب را عبارت می‌دانیم از این‌که بررسی ویژگی‌های سبکی بر مبنای لایه‌های متنی انجام پذیرفته و ویژگی‌ها بر این مبنا معنا دار شوند. در این روش، بر حسب متن مورد مطالعه و رویکرد یا رویکردهای سبک‌شناسی گزینش شده، می‌توانیم از یافته‌های دانش زبان‌شناسی در شاخه‌های مختلف صورت‌گرا، ساختارگرا، کاربردگرا، شناخت‌گرا و انتقادی استفاده کنیم. همچنین می‌توانیم مؤلفه‌های بلاغی (سبک‌شناسی را خلف بلاغت دانسته‌اند) را در تجزیه و تحلیل سبک متن، فرد یا دوره مورد بررسی قرار دهیم؛ همگرایی لایه بلاغی با دیگر لایه‌ها امکان‌پذیر است زیرا فنون بلاغی به همت زبان‌شناسانی مانند یاکوبسون و لیکاف و جانسون با مباحث مطرح در زبان‌شناسی هم‌سو گردیده است. چنان‌که گفته‌اند (همان، ۵۹) «فنون بلاغی ساز و کارهای شکل‌دهنده به گفتمان، به مفهوم کلی کلمه هستند. کلیت گفتمان به‌طور اجتناب‌ناپذیر با استفاده از این ابزارها شکل می‌گیرد». سجودی پس از نقل سخن مزبور، این قول از چندلر را آورده است که «فنون بلاغی صرفاً با چگونگی بیان اندیشه‌ها سر و کار ندارند، بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیر می‌گذارند». (چندلر، ۲۰۰۲)

خوش‌بختانه سبک‌شناسی لایه‌ای و مؤلفه‌های سبکی گزینش شده در سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (دربر، ۱۳۹۰) که در کتاب حاضر به چاپ می‌رسد، از همان آغاز، موردپسند دانشجویان و سبک‌شناسان قرار گرفت. چنان‌که محمود فتوحی در کتاب *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها* (۱۳۹۰: ۲۰۹-۴۲۳) به مطالعه سبک بر مبنای

لایه‌های زبان توجه جدی نشان داد؛ مؤلف در مقدمه کتاب گفته: بنیاد بخش عملی این کتاب را بر لایه‌های زبان نهاده (همان: ۲۷) و این بخش از کتاب خود را که حدود نیمی از صفحات آن را در بر می‌گیرد، ذیل عنوان سبک-شناسی لایه‌ای آورده است. درباره دریافت ایشان از سبک‌شناسی لایه‌ای و «عملی» بودن بخش مذکور جای بحث است؛ آنچه که مؤلف کتاب سبک-شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها تحت عنوان سبک‌شناسی لایه‌ای آورده، در واقع سبک‌شناسی لایه‌ای نیست بلکه شرح و توضیحی است بر لایه‌های زبان که در مطالعه سبک می‌تواند کاربرد داشته باشد و مؤلف سعی نموده کارآیی این لایه‌ها را در سبک‌شناسی با مثال‌های پراکنده نشان دهد. بنا به دلایل زیر آنچه را که در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها آمده است، سبک‌شناسی لایه‌ای نمی‌دانیم:

الف- در سبک‌شناسی لایه‌ای مطالعه سبک را براساس ساختار باز لایه‌ای متن به انجام می‌رسانیم و چنان‌که فروکو (۱۹۷۴: ۲۳) می‌گوید:

حد کتاب هرگز به وضوح روشن نیست؛ و رای عنوان، سطرهای نخستین و نقطه پایانی، و رای ترکیب بندی درونی و شکل خودانگیخته‌اش. کتاب در درون نظامی از ارجاعات به کتاب‌های دیگر، متن‌های دیگر و جمله‌های دیگر گرفتار است و گاهی است در دل شبکه‌ای ... کتاب صرفاً شینی نیست که کسی در دستش می‌گیرد ... یگانگی‌اش امری متغیر و نسبی است.

در سبک‌شناسی لایه‌ای نمی‌توان پیکره واحدی برای متن قائل شد در حالی‌که در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تعیین پیکره متنی «نخستین مرحله در کار تحلیل سبک» قلمداد شده است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۱۰) و پیکره‌های متنی به دو نوع تقسیم شده است:

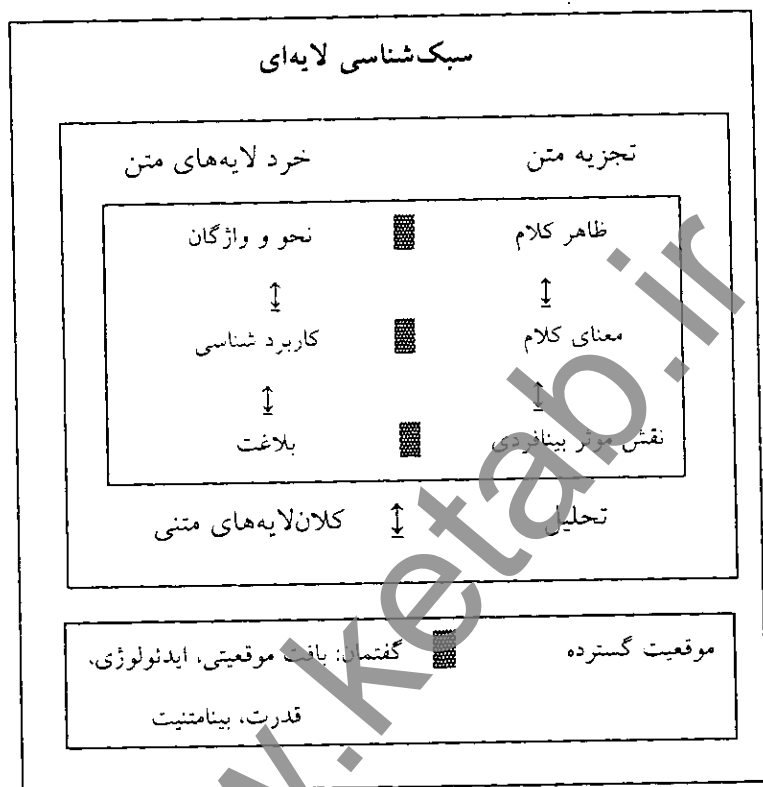
۱- پیکره محدود یا کوچک برای بررسی سبک شخصی یا تحلیل و

ارزیابی سبک یک متن واحد.

۲- پیکره گسترش‌پذیر در حد یک دوره تاریخی برای بررسی دگرذیسی-

های تاریخی سبک‌ها یا بررسی سبک‌های عمومی (همان) چنان‌که از توضیحات برمی‌آید، اصطلاح «پیکره گسترش‌پذیر» به معنای مجموعه‌ای از پیکره‌های متنی محدود است اما در سطح وسیع‌تر مانند یک دوره تاریخی.

ب- در سبک‌شناسی لایه‌ای چنان‌که در نمودار زیر نشان داده‌ایم، لایه‌های خرد و کلان متن را در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌کنیم. یعنی مطالعه لایه‌های خرد متن را در ارتباط با کلان‌لایه گفتمان؛ بافت موقعیتی، مقوله‌های قدرت و ایدئولوژی به گونه درهم‌تنیده به انجام می‌رسانیم به‌طوری که در تجزیه هریک از مؤلفه‌های سبکی به کلان‌لایه‌ها نظر داریم و به عبارت دیگر لایه‌های خرد را در بستر کلان‌لایه‌ها تجزیه می‌نماییم:



اما در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها آنچه سطوح تحلیل سبک نامیده شده به صورت نموداری خطی (خط عمودی از بالا به پایین) نشان داده شده است (همان، ۲۱۱). سطوح مورد نظر که از واحدهای زبانی کوچک (واج، تکواژ، واژه، عبارت و بند) و جمله آغاز می‌شود تا سطوح گسترده‌تر یک متن یا مجموعه آثار یک مؤلف یا یک دوره تاریخی (همان) با لایه‌های متنی که در سبک‌شناسی لایه‌ای در نمودار بالا نشان دادیم کاملاً متفاوت است. این سطوح که مؤلف به آن‌ها عنوان «لایه» داده است: «اکتشاف از لایه‌ی خرد به سوی کلان‌لایه‌ها» (همان)، با آنچه ذیل سبک‌شناسی لایه‌ای

(فصل هفتم کتاب یادشده) آورده نیز کاملاً متفاوت و متباین است. بعلاوه اینکه مؤلف بعد از آوردن پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، معنی‌شناختی و کاربردشناسی (همان: ۲۳۸) در گزینش لایه‌های مورد نظر نوشته است:

گرچه بنیاد الگوی سبک‌شناسی لایه‌ای خود را بر پنج لایه‌ی زبان نهاد، ایم ولی برای مقاصد سبک‌شناسی ادبی به جای دو لایه‌ی معنی‌شناسی و کاربردشناسی «لایه‌ی بلاغی» و «لایه‌ی ایدئولوژیک» را آورده‌ایم (همان: ۲۳۹).

چنان‌که در نقل قول مذکور دیده می‌شود، مؤلف لایه‌ی کاربردشناسی را از شمار لایه‌ها حذف نموده است؛ حذف کامل لایه‌ی کاربردشناسی (در کتابی که برای مقاصد سبک‌شناسی ادبی نوشته شده) با این استدلال که «بازسازی موقعیت ارتباطی (مکان زمان‌مند مکالمه بین گوینده و شنونده اگر نگوییم محال است، دست کم دشوار است» (همان: ۲۸)، در تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی بخش وسیعی از ادبیات نادرست به نظر می‌رسد.

پ- دلیل سوم این است که در سبک‌شناسی لایه‌ای، چنان‌که در کتاب حاضر خواهد آمد، مطالعه‌ی لایه‌های متنی در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌شوند؛ معنادار نمودن ویژگی‌های سبکی بر مبنای تجزیه‌ی خود لایه‌ها در بستر کلان‌لایه‌ها، پایه و اساس مطالعه‌ی سبک به شیوه‌ی لایه‌ای است و نشان دادن تمایزات سبکی متن، پدیدآور، گونه و دوره بر همین مبنا انجام می‌شود. اما در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها مؤلف بر تفکیک لایه‌ها تأکید دارد: «تفکیک این لایه‌های زبان برای مطالعات سطوح زبانی سبک بسیار کارآمد است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۹) و در ادامه می‌افزاید: سبک‌شناس برای دستیابی به تحلیل روش‌مند یک سبک باید هر کدام از این سطوح را جداگانه بررسی کند (همان).

به نظر نگارنده در صورتی می‌توان ادعای ارائه «الگوی سبک‌شناسی لایه‌ای» را درست دانست که «تجزیه» و «تحلیل» سبک با توجه به ساختار لایه‌ای متن مد نظر باشد. آنچه به سبک‌شناسی لایه‌ای به‌عنوان روشی که در عملی نمودن رویکردهای مختلف سبک‌شناسی (به‌ویژه رویکردهای بافتمند) حیثیت می‌بخشد، صرف مطالعه سبک در لایه‌های چندگانه آوایی، واژگانی، نحوی، کاربردشناسی و بلاغی نیست؛ اگر چنین باشد، خیلی از سبک‌شناسی سنتی فاصله نگرفته‌ایم و تنها یافته‌های دانش زبان‌شناسی را به‌طور گسترده‌تری وارد سبک‌شناسی نموده‌ایم و هنوز هم به منظور تشخیص برجستگی سبکی، لایه‌های زبانی را به صورت منفرد و جداگانه بررسی می‌کنیم؛ بنابراین عنوان لایه‌ای بر آن صحیح نمی‌باشد. در «سبک‌شناسی لایه‌ای» به‌گونه‌ای که در کتاب حاضر خواهد آمد، مطالعه ویژگی‌های سبکی با توجه به ساختار لایه‌ای متن، به نحوی که خردلایه‌های متنی را در بستر کلان‌لایه‌های گفتمانی، بیناگفتمانی و بینامتنی تجزیه و تحلیل می‌کنیم، تفاوت عمده‌ای است که سبک‌شناسی را در مسیر جدیدی قرار خواهد داد. این شیوه برطرف‌کننده ضعف موجود در سبک‌شناسی فارسی است؛ در پژوهش‌های موجود در زبان فارسی (تاریخی و صورت‌گرا) ارتباط بین ویژگی‌های سبکی با بافت متن مورد توجه قرار نگرفته و به کارکرد یا نقش ویژگی‌های سبکی نیز پرداخته نشده است و واحد تحلیل سبک در سبک‌شناسی تاریخی سبکی در حد «جمله» متوقف مانده است و حال آن‌که در «روش لایه‌ای» با توجه به ساختار باز لایه‌ای متن، نه تنها نوشتاری که در دست داریم، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته می‌شود بلکه واحد تحلیل متن گسترش یافته، به کلان‌لایه‌ها رسیده و بر این مبنا مشخصه‌ها و تمایزات سبکی یک نوشتار، نویسنده، ژانر یا دوره را

تعیین می‌نماییم و عنوان "سبک‌شناسی لایه‌ای" را بر چنین روشی صحیح می‌دانیم.

در پایان این پیشگفتار که به ضرورت طرح مسائل مقدماتی در ارتباط با سبک‌شناسی انتقادی و معرفی سبک‌شناسی لایه‌ای طولانی گردید، لازم است این مطلب را بیفزایم که ابزارهای سبک‌شناسی انتقادی که در این کتاب ارائه می‌شود، به تناسب گونه‌ها و زیرگونه‌های مورد مطالعه قابل گسترش و قابل تغییر است (رک. درپر، ۱۳۹۱: ۳۹-۶۳)، دیگران بر شمار این ابزارها خواهند افزود. در روش سبک‌شناسی لایه‌ای نیز چنان‌که گفته‌ایم، به تناسب گونه و زیرگونه‌های مورد مطالعه (شعر، داستان، نامه، نمایشنامه و ...) و رویکرد یا رویکردهای سبک‌شناسی که به کار گرفته می‌شود، لازم است لایه‌ها و ابزارهای متفاوتی ارائه شود. کتاب حاضر، تنها مقدار اندکی از کاربردهای دانش زبان‌شناسی را، به روش لایه‌ای، در سبک‌شناسی به کار گرفته است؛ پژوهش‌گران بعدی در اتمام آن خواهند کوشید، راه کاربرد توصیف‌های زبان‌شناسی را در شناخت ویژگی‌های سبکی متون هموار خواهند کرد و کارکردهای ویژگی‌های سبکی را توضیح خواهند داد.

امیدوارم منتقدان محترم با بیان حسن‌ها و عیب‌های این کتاب، نگارنده را از بازخورد پژوهش آگاه ساخته و با یادآوری کاستی‌ها و اشتباهات و ارائه نظرات سازنده، او را در بهبود این نوشتار یاری دهند.